

مقایسه انتظارات و هدف از ازدواج زنان و دختران ساکن شهر شیراز

مریم فلاحی^{۱*}، سید رضا فلاح جای^۲، اقبال زارعی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه انتظارات و هدف از ازدواج زنان و دختران شهر شیراز بود. تعداد ۱۸۰ شرکت‌کننده (۹۰ زن و ۹۰ دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه ساختاریافته و مقیاس نگرش و انتظار ازدواج (MAES) در نظر گرفته شد. آزمودنی‌ها پرسشنامه جمعیت‌شناختی، مقیاس نگرش، و انتظار از ازدواج (۳۶ سوالی) را کامل کردند. برای تحلیل داده از روش توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، آزمون t و کای دو استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین انتظارات از ازدواج زنان و دختران وجود داشت ($P < 0.05$). یافته‌ها تفاوت معناداری بین دو گروه در سه خرده‌مقیاس اصلی انتظارات، قصد ازدواج، نگرش کلی به ازدواج، و انتظار از ازدواج را نشان داد. در خرده‌مقیاس‌های فرعی، تفاوت معناداری بین نگرش منفی به ازدواج، ترس/شک و تردید و عشق در زنان و دختران وجود داشت. اما تفاوت معناداری در سایر خرده‌مقیاس‌ها از قبیل احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی مشاهده نشد. همچنین، از نظر هدف از ازدواج بین اهداف با انگیزه عاطفی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، و ایده‌آل‌گرایانه تفاوت معناداری ($P < 0.01$) مشاهده شد، اما بین اهداف جنسی تفاوت معنادار نبود. نتیجه کلی این مطالعه بیانگر این است که زنان نسبت به دختران انتظارات بالاتری از ازدواج داشتند و هدف از ازدواج زنان و دختران متفاوت بود.

کلیدواژه‌ها

انتظارات از ازدواج، دختران، زنان، هدف از ازدواج.

۱. maryam.falahi_90@yahoo.com

۲. rfallahchai@yahoo.com

۳. eghbalzareei2010@yahoo.com

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان

۲. دانشیار گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه هرمزگان

۳. دانشیار گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه هرمزگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۳

مقدمه

ازدواج نهادی همگانی است؛ به طوری که همه فرهنگ‌ها، نژادها، گروه‌های قومی یا مذهبی را شامل می‌شود و هم ارادی و هم قانونی است [۱۰]. ازدواج تجلی بنیادی و موقعیتی ارجح برای مهم‌ترین و از نظر اجتماعی سودمندترین شکل از وابستگی صمیمی است. اگرچه بسیاری از روابط معنادار و تکمیل‌کننده فردی دیگری وجود دارد، منافع ازدواج برای جامعه و اعضای خانواده منحصر به فرد است [۱۱]. تغییرات شگرف در شکل‌گیری خانواده، تأخیر در ازدواج، و کاهش سریع میزان ازدواج، پژوهش‌های علمی و بحث عمومی درباره کناره‌گیری از ازدواج و عوامل مؤثر بر ازدواج موفق را موجب شده است [۱۲].

وقتی از ازدواج صحبت می‌شود، موضوعاتی مثل نقش‌های مورد انتظار از همسر و انتظارات و اهداف از تشکیل خانواده و ازدواج به ذهن می‌رسد، بنابراین یکی از موضوعاتی که در بحث خانواده و ازدواج مهم به نظر می‌رسد و در شکل‌دهی روابط صمیمانه که با سلامت جسمانی و هیجانی ارتباط دارد، نقش دارد، انتظارات فرد از ازدواج است. انتظارات زناشویی^۱ عبارت است از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌های از پیش تعیین شده، و باید و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد یا نباشد [۵]. باریچ و بیلبی^۲ انتظارات را به منزله تصاویری ذهنی از ازدواج تعریف می‌کنند که زوجین برای خود با توجه به بافت رابطه ایجاد می‌کنند [۱۳]. برگون^۳ که تحقیقی را درباره انتظارات برای نخستین بار انجام داد، انتظارات را به معنای الگویی بادوام از رفتار مورد پیش‌بینی تعریف کرد [۱۴]. جونز و بردت^۴ بیان کردند که مهم‌ترین قسمت هر رابطه، از جمله ازدواج، انتظارات است [۱۵]. انتظارات بیشتر شامل آنچه زوج به منزله نقشی مناسب در ازدواج در نظر می‌گیرد و چگونگی باورهای آن‌هاست درباره اینکه ازدواج چگونه نتیجه‌بخش یا موفقیت‌آمیز است [۱۶]. دقیق‌تر اینکه، افراد درباره محتوا و معنای عشق و عواملی که به موفقیت یا شکست رابطه منجر می‌شود باورهای خاصی دارند [۱۷]. همچنین، انتظاراتی درباره همسر، رابطه و به‌طور کلی خود دارند که بر اساس تجارب قبلی است و بر برداشتهای، عواطف، و رفتارها در رابطه عاشقانه آن‌ها تأثیر می‌گذارد [۱۸]. در خصوص شکل‌گیری انتظارات زناشویی رویکردهای متفاوتی عرضه شده است. نظریه نقش جنسیتی بیان می‌دارد تقریباً، در همه فرهنگ‌ها، افراد برای ایفای نقش‌های متعدد بر اساس جنسیت اجتماعی می‌شوند. نقش‌های جنسیتی می‌تواند به منزله مقاصد یا مفاهیم ایجاد شده از سوی جامعه برای رفتار مردان یا زنان تعریف شود [۱۹]. می‌توان انتظار داشت که انتظارات زناشویی در نتیجه اجتماعی شدن دختران و پسرانی که انتظاراتی

1. Marital expectation
2. Barich, R. R & Bielby, D. D
3. Burgoon, J.K
4. Jones & Burdette

ایده‌آلیستی، بدبینانه، یا واقع‌گرایانه درباره‌ی نقش‌هایشان در روابط آینده را کسب کرده‌اند، تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. درست همان زمانی که کودکان برای فراگیری نقش‌های جنسیتی در طول مراحل زندگی جامعه‌پذیر می‌شوند، انتظارات زناشویی آینده را از تجارب مختلف که در خانواده‌های خود مشاهده می‌کنند، فرامی‌گیرند [۱۹]. برمبنای نظریه‌ی دلبستگی، بالبی اظهار می‌کند که کیفیت روابط با مراقبان در کودکی به فعال شدن و راه‌اندازی الگوهای فرد منجر می‌شود و تصویرهای روابط اجتماعی بزرگسالی را فراهم می‌کند که این تصویر ذهنی الگو یا راهنمایی برای کلیه‌ی روابط صمیمی در آینده می‌شود و بر نگرش‌ها و انتظارات از روابط بعدی تأثیر دارد [۲۰]. فرایند انتقال چندنسلی در نظریه‌ی سیستم‌های خانواده می‌تواند انتظارات زناشویی آینده را انتقال دهد. به‌ویژه، تجربه‌ی طلاق می‌تواند سطح تفکیکی که فرد کسب می‌کند را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، آن فرد ممکن است الگوهای رابطه‌ی دارای اختلال را، که سبب انتظارات زناشویی بدبینانه با ایده‌آل‌گرایانه می‌شود، تشکیل دهد [۱۹]. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که تقویت تأثیر تجارب اجتماعی در فرایند کسب انتظارات زناشویی بدبینانه، ایده‌آل‌گرایانه، یا واقع‌گرایانه در آینده کمک می‌کند. براساس این رویکرد، یادگیری انتظارات هم به صورت نمادین و هم به صورت مشاهده‌ای روی می‌دهد. تجارب مثبت و منفی موجب می‌شود کودکان رفتارهای خاصی را انجام دهند که می‌تواند باعث تشکیل انتظارات زناشویی بدبینانه، ایده‌آل‌گرایانه، یا واقع‌گرایانه شود [۱۹].

از دیدگاه شناختی، انتظارات زناشویی تقریباً به وسیله‌ی ارزیابی‌های شناختی که زوجین در رابطه انجام می‌دهند، ایجاد می‌شود [۲۱]، به‌ویژه هنگامی که تاریخچه‌ی قبلی از تعاملات وجود ندارد یا در زمان تشکیل رابطه، انتظارات به‌منزله‌ی راهنمایی برای پرداختن به تعاملات و اینکه چگونه فرد ممکن است رفتار کند، مفید است. در این مرحله از شکل‌گیری رابطه، انتظارات می‌تواند برای هم‌ترازسازی ارزش‌ها و نگرش‌های زوجین به کار رود و رفتار را متناسب سازد؛ به گونه‌ای که رابطه‌ی شانس‌ی برای رشد بیشتر داشته باشد [۱۵]. محققان انتظارات را در مطالعاتشان برجسته و مهم تشخیص داده‌اند. انتظار از ازدواج از آن نظر واجد اهمیت است که پیامدها و رضایت از رابطه‌ی زناشویی در آینده را شکل می‌دهد [۹]. سن، قومیت‌گرایی، جنسیت، مذهبی بودن، وضعیت تأهل، و تجارب درباره‌ی رابطه‌ها می‌توانند در انتظار از ازدواج نقش ایفا کنند [۲۲]. وقتی انتظارات زناشویی ایده‌آل‌گرایانه با واقعیت تطابق نیابد، نارضایتی زناشویی رخ می‌دهد و به طلاق منجر می‌شود [۱۹]. بنابراین، انتظارات نقش بسیار مهمی در ازدواج دارد. همچنین نشان داده شده است که انتظارات عنصر کلیدی در رضایت و سازگاری زناشویی است. از سوی دیگر، هریک از زوجین ممکن است به علت انتظارات غیرواقع‌بینانه در ازدواج ناراحت و ناکام شوند و دشواری گفت‌وگو درباره‌ی این انتظارات به امکان بیشتر اختلافات زناشویی یا طلاق منجر شود [۱۶].

مسئله با اهمیت دیگری که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، هدف از ازدواج است. اهداف اساسی ازدواج حول شناخت بشر در طول زمان و در میان فرهنگ‌ها ایجاد شده است که زن و مرد متفاوت‌اند. مردان و زنان عمیقاً از جنبه‌های بی‌شماری باهم تفاوت دارند که درعین حال مکمل هم‌اند؛ بنابراین، اتحاد زن و مرد، یعنی پیوند دادن یک زن و یک مرد در ائتلافی تکمیل‌کننده، درازمدت و مبتنی بر رضایت طرفین، هدف اساسی و شاید ضروری‌ترین هدف از ازدواج است [۱۱]. اهداف می‌توانند براساس انگیزه‌های مذهبی، زیستی و اجتماعی- روان‌شناختی تعیین شوند [۲۳]. اتحاد و همبستگی زن و مرد دربرگیرنده بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات اساسی ویژه و اهداف بسیار مهم و ضروری ازدواج است. در میان این اهداف می‌توان به ۱. روابط جنسی ایمن، ۲. زاد و ولد مسئولانه، ۳. فرزندآوری دلخواهانه، ۴. رشد روابط انسانی سالم، و ۵. محافظت از کسانی که آسیب‌پذیرترین نقش خانواده را به نفع جامعه متقبل شده‌اند (به‌ویژه مادران و زنان) اشاره کرد [۱۱]. زنان انگیزه‌های بسیاری برای ازدواج عنوان می‌کنند. عمومی‌ترین مورد ذکر شده در پژوهش‌های مختلف عبارت‌اند از: عشق، دوستی و صمیمیت عمیق و قوی با همسران، شادکامی و تعهد مادام‌العمر، که تغییری شگرف را به گذشته نشان می‌دهد. نکته مهم در این تغییرات دیدگاه آرمان‌گرایانه به ازدواج و اهداف ایده‌آل‌گرایانه است. این دیدگاه‌ها و اهداف غیرواقع‌بینانه موجب افزایش نارضایتی زناشویی می‌شود و در نتیجه آسیب‌های جدی به روابط زناشویی وارد می‌کند [۲۴]. نظر به اینکه هدف از ازدواج بر زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد، پس افراد نیاز دارند تا انتظارات و اهداف خود را از ازدواج مشخص و تعیین کنند که آیا سطح انتظارات آن‌ها واقع‌بینانه است یا خیر؟ [۲۵]. چنان‌چه اهداف و انتظارات فرد از ازدواج ایده‌آل‌گرایانه و بدبینانه باشد، سبب نارضایتی و ناسازگاری زناشویی و به طلاق منجر می‌شود [۱۵]. دراکرمن با بررسی خیانت در فرهنگ‌های سراسر دنیا اظهار داشت که انتظارات بالای افراد برای شادکامی فردی می‌تواند موجب خیانت زناشویی شود [۲۶]. علاوه بر این، امروزه بسیار بیش از قبل، ازدواج بر پایه عشق و رضایت فردی است تا بر مبنای عوامل تحمیلی، که عوامل فوق‌ازدواج را رضایت‌بخش اما درعین حال ناپایدارتر می‌کند [۲۴].

در ایران، مطالعات اندکی درباره انتظار از ازدواج صورت پذیرفته است، که عموماً به تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی پرداخته‌اند [۲؛ ۳؛ ۸]. نیلفروشان و همکاران پژوهشی با عنوان بررسی ساختار عاملی اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج را بر روی ۱۳۷ دانشجو به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام دادند. ابزارهای استفاده‌شده مقیاس انتظار از ازدواج و مقیاس نگرش به ازدواج بود. نتایج تحقیق نشان داد که دختران در مقایسه با پسران انتظار بدبینانه‌تری از ازدواج داشتند. اما به مقایسه انتظارات در افراد متأهل و مجرد پرداخته نشده است [۹]. شایان ذکر است که ابزار استفاده‌شده در پژوهش حاضر، که برای نخستین بار در ایران استفاده شده است، کامل‌تر و جامع‌تر از ابزاری است که در مطالعه قبلی استفاده شده

است، زیرا محدودیت‌های مقیاس‌های قبلی را ندارد و برای همه افراد، صرف نظر از وضع تأهل، جنسیت، و سن، قابل استفاده است. علاوه بر این، می‌تواند مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده انتظارات را بررسی و مقایسه کرد و دقیق‌تر به ارزیابی انتظارات افراد نسبت به ازدواج پرداخت. این مطالعه با هدف مقایسه انتظارات ازدواج زنان و دختران شهر شیراز در سال ۱۳۹۳ و به منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهشی زیر صورت گرفت. این سؤالات عبارت‌اند از:

۱. آیا بین انتظار از ازدواج دختران و زنان تفاوت وجود دارد؟

۲. آیا بین هدف از ازدواج دختران و زنان تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است که روی ۹۰ دختر و ۹۰ زن شهر شیراز انجام شد. آزمودنی‌ها به شیوه نمونه‌گیری در دسترس در منطقه مرکزی شهر شیراز (مناطق ۱ و ۳)، و براساس سطح تحصیلات و سن هم‌تاسازی و انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه جمعیت‌شناختی که شامل اطلاعات مربوط به سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، مدت ازدواج، و تعداد فرزندان بود، مقیاس نگرش و انتظار ازدواج و مصاحبه ساختاریافته در نظر گرفته شد که هریک از آزمودنی‌ها به صورت انفرادی به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند و سپس از آن‌ها مصاحبه به عمل آمد.

مقیاس نگرش و انتظار ازدواج یا MAES: این مقیاس توسط پارک و روزن^۱، برای اندازه‌گیری قصد از ازدواج، نگرش کلی به ازدواج و انتظارات از روابط زناشویی و ازدواج طراحی شده است؛ که از سه مقیاس^۲ IMS که قصد ازدواج را می‌سنجد، مقیاس^۳ GAMS که نگرش کلی به ازدواج را ارزیابی می‌کند، و مقیاس^۴ AMS که انتظار از ازدواج را بررسی می‌کند، تشکیل یافته است. خرده‌مقیاس GAMS یا نگرش کلی به ازدواج دارای سه زیرمقیاس نگرش مثبت به ازدواج، نگرش منفی به ازدواج ترس/شک و تردید نسبت به ازدواج است. مقیاس AMS یا انتظار از ازدواج، عشق، احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی را می‌سنجد. در حال حاضر، این مقیاس تنها ابزاری است که قادر است این سه حوزه را به‌طور هم‌زمان بسنجد. علاوه بر این، این مقیاس می‌تواند به درک ارزش خاص انتظارات و نگرش افراد درباره ازدواج صرف نظر از وضعیت تأهل، سن، و قومیت بپردازد. این مقیاس شامل ۳۶ گزاره است که به صورت مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (از ۰ کاملاً مخالفم تا ۶ کاملاً موافقم) نمره‌گذاری

1. Marital Attitude and Expectation Scale
2. Park, S.S & Rosén, L.A
3. Intent to Marry Scale
4. General Attitudes towards Marriage Scale
5. Aspects of Marriage Scale

می‌شود. دامنه تغییرات نمره‌ها از ۰ تا ۱۸ برای IMS، از ۰ تا ۶۰ برای GAMS و ۰ تا ۱۳۸ برای AMS است. دامنه تغییرات نمره‌ها برای کل مقیاس بین ۰ تا ۲۱۶ است. این مقیاس نمره برش ندارد و نمرات بالاتر نشان‌دهنده تمایل و قصد بیشتر برای ازدواج برای مقیاس قصد ازدواج، نگرش مثبت‌تر به ازدواج برای مقیاس نگرش کلی به ازدواج، و انتظارات بالاتر از ازدواج برای مقیاس انتظار از ازدواج است. این مقیاس دو سطح عاملی دارد که یکی قصد از ازدواج، نگرش کلی به ازدواج، و انتظارات از روابط زناشویی را می‌سنجد و دیگری ۱۰ مؤلفه، قصد ازدواج، نگرش مثبت، نگرش منفی و ترس/شک و تردید، عشق، احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی را می‌سنجد. همبستگی بین نمرات این سه مقیاس مورد آزمون قرار گرفت، که روایی بالایی گزارش شد. پارک و روزن نتایج ضریب آلفای کرونباخ مقیاس IMS را ۰/۹۱، مقیاس GAMS را ۰/۸۴ و مقیاس AMS را ۰/۹۲ گزارش کردند [۲۲]. این مقیاس برای نخستین بار در ایران در یک مطالعه مستقل به منظور مطالعه ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس بر یک نمونه ۷۵۰ نفری اجرا شد که ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس IMS ۰/۸۰، مقیاس GAMS ۰/۸۳، مقیاس AMS ۰/۸۷ و کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آمد [۲۷]. در مطالعه حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس IMS ۰/۷۵، مقیاس GAMS ۰/۸۴، مقیاس AMS ۰/۸۸ و کل مقیاس ۰/۸۸ به دست آمد.

درباره اهداف از ازدواج، از پاسخگویان یک سؤال باز پرسیده شد «اهداف خود از ازدواج را به ترتیب اولویت از یک تا پنج بیان کنید.» و در مرحله تحلیل داده‌ها، پس از بررسی اهداف و حذف و ترکیب موارد مشابه، ۶۰ هدف به دست آمده به ۶ گروه، اهداف با انگیزه‌های عاطفی-روان‌شناختی، جنسی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، و اهداف ایده‌آل‌گرایانه تقسیم شدند و یک گروه نیز به گروهی که به این سؤال این‌گونه پاسخ داده بودند که هدف خاصی ندارم یا نمی‌دانم اختصاص یافت.

یافته‌ها

نتایج تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های مطالعه‌شده حاکی از این است که ۳۰ درصد شرکت‌کنندگان ۲۶ تا ۳۰ سال، ۲۰/۵ درصد ۳۱ تا ۳۵ سال، ۱۸/۹ درصد ۲۱ تا ۲۵ سال، ۱۷/۸ درصد ۴۰ و بالاتر، ۸/۹ درصد ۳۶ تا ۴۰ سال و ۳/۹ درصد ۱۸ تا ۲۰ سال داشتند. از نظر هدف ازدواج در دختران، بیشترین درصد مربوط به اهداف با انگیزه عاطفی با ۳۸ درصد بود. اهداف با انگیزه جنسی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، ایده‌آل‌گرایانه، اقتصادی به ترتیب با ۱۸، ۱۶، ۱۱، ۷/۵ و ۵ درصد در مراتب بعدی قرار داشتند. کمترین درصد مربوط به «نیاز به هدفی نیست» با ۴/۵ درصد بود. در زنان بیشترین درصد مربوط به اهداف با انگیزه عاطفی با ۲۹/۸ درصد بود. اهداف با انگیزه مذهبی، جنسی، اجتماعی-فرهنگی،

اقتصادی، و ایده آل گرایانه به ترتیب با ۲۶، ۱۵/۲، ۱۳/۳، ۱۰/۹ و ۴/۸ درصد در مراتب بعدی قرار داشتند.

جدول ۱. توزیع فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی

سن (فراوانی)	۲۰ تا ۱۸ سال (۷)	۲۵ تا ۲۱ (۳۴)	۳۰ تا ۲۶ (۵۴)	۳۵ تا ۳۱ (۳۷)	۴۰ تا ۳۶ (۱۶)	۴۰ و بالاتر (۳۲)
تحصیلات (فراوانی)	زیر دیپلم (۱۶)	دیپلم (۲۹)	فوق دیپلم (۱۸)	لیسانس (۷۰)	فوق لیسانس و بالاتر (۴۷)	
شغل (فراوانی)	دانشجو (۵۰)	کارمند (۹۸)	خانه‌دار (۲۵)	بیکار (۷)		

یافته‌های استنباطی پژوهش

نتایج بررسی سؤال پژوهشی اول تفاوت میانگین انتظار از ازدواج و نگرش به ازدواج برحسب وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که این دو میانگین در بین دختران کمتر از مقدار آن برای زنان است. تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین براساس آزمون t بیانگر این است که تفاوت معناداری با ۹۵ درصد اطمینان، بین دختران و زنان از نظر میانگین انتظار از ازدواج و نگرش به ازدواج وجود دارد. نتایج بررسی تفاوت میانگین قصد ازدواج برحسب وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد، که میانگین قصد ازدواج در بین دختران بیشتر از مقدار آن برای زنان شده است. تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین براساس آزمون t بیانگر این است که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر میانگین قصد ازدواج وجود دارد. در خرده‌مقیاس‌های فرعی، نتایج بررسی تفاوت میانگین نگرش منفی نسبت به ازدواج برحسب وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد، که نمرات میانگین نگرش منفی نسبت به ازدواج در بین دختران کمتر از مقدار آن برای زنان است. تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین براساس آزمون t بیانگر این است که تفاوت معناداری با ۹۹ درصد اطمینان بین دختران و زنان از نظر نگرش منفی نسبت به ازدواج وجود دارد. نتایج بررسی تفاوت میانگین ترس/شک و تردید و همچنین خرده‌مقیاس عشق برحسب وضعیت تأهل حاکی از این است که میانگین نمره‌های ترس/شک و تردید و عشق در بین دختران بیشتر از مقدار آن برای زنان شده است. تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین براساس آزمون t نشان داد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر میانگین ترس/شک و تردید و عشق، وجود دارد. اما نتایج بررسی تفاوت میانگین نمره‌های نگرش مثبت به ازدواج، احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی برحسب وضعیت تأهل حاکی از این است که میانگین نگرش به ازدواج در بین دختران کمتر از مقدار آن برای زنان شده است. اما تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین براساس آزمون t نشان داد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر میانگین نگرش به ازدواج وجود ندارد.

جدول ۲. آزمون تفاوت نگرش و قصد ازدواج برحسب وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
نمره کل	مجرد	۴۷,۲۸۳۴	۵,۳۳	-۱,۹۷۹	۰,۰۵
	متأهل	۴۹,۲۸	۶,۰۴		
	مجرد	۱۰,۷۷	۲,۹۷		
	متأهل	۹,۴۹	۳,۴۸		
قصد	مجرد	۳۱,۴۲	۶,۴۰	۲,۶۶	۰,۰۱
	متأهل	۳۲,۸۴	۵,۰۱		
	مجرد	۱۰,۲۶	۱۰,۲۶		
	متأهل	۱۰,۵۵۰	۱۳,۷۶		
نگرش	مجرد	۱۶,۸۰	۴,۹۴	-۱,۹۶۵	۰,۰۵
	متأهل	۱۸,۱۸	۵,۲۷		
	مجرد	۴,۳۶	۳,۶۲		
	متأهل	۶,۶۷	۴,۳۳		
انتظار	مجرد	۸,۹۸	۳,۷۶	-۱,۹۶۸	۰,۰۵
	متأهل	۱۱,۵۰	۲,۶۹		
	مجرد	۲۶,۰۹	۴,۰۶		
	متأهل	۲۶,۶۰	۴,۴۱		
نگرش مثبت	مجرد	۲۲,۴۳	۲,۲۴	-۱,۹۶۸	۰,۰۱
	متأهل	۲۳,۱۳	۳,۲۵		
	مجرد	۱۰,۹۸	۱,۸۵		
	متأهل	۱۱,۳۳	۲,۶۳		
نگرش منفی	مجرد	۲۰,۷۵	۳,۱۰	-۲,۱۹۳	۰,۰۱
	متأهل	۲۱,۴۹	۳,۹۹		
	مجرد	۳,۰۷	۳,۷۶		
	متأهل	۸,۹۸	۲,۶۹		
ترس و تردید	مجرد	۱۲,۵۳	۲,۰۶	۳,۰۷	۰,۰۱
	متأهل	۱۱,۵۰	۲,۸۷		
	مجرد	۲۶,۰۹	۴,۰۶		
	متأهل	۲۶,۶۰	۴,۴۱		
عشق	مجرد	۲۲,۴۳	۲,۲۴	۲,۹۰۴	۰,۰۱
	متأهل	۲۳,۱۳	۳,۲۵		
	مجرد	۱۰,۹۸	۱,۸۵		
	متأهل	۱۱,۳۳	۲,۶۳		
احترام	مجرد	۲۰,۷۵	۳,۱۰	-۰,۸۰۶۳	۰,۴
	متأهل	۲۱,۴۹	۳,۹۹		
	مجرد	۳,۰۷	۳,۷۶		
	متأهل	۸,۹۸	۲,۶۹		
اعتماد	مجرد	۱۲,۵۳	۲,۰۶	-۱,۶۸۷	۰,۰۱
	متأهل	۱۱,۵۰	۲,۸۷		
	مجرد	۲۶,۰۹	۴,۰۶		
	متأهل	۲۶,۶۰	۴,۴۱		
مسائل مالی	مجرد	۲۲,۴۳	۲,۲۴	-۱,۰۵۳	۰,۳
	متأهل	۲۳,۱۳	۳,۲۵		
	مجرد	۱۰,۹۸	۱,۸۵		
	متأهل	۱۱,۳۳	۲,۶۳		
معنا	مجرد	۲۰,۷۵	۳,۱۰	-۱,۳۹۱	۰,۲
	متأهل	۲۱,۴۹	۳,۹۹		
	مجرد	۳,۰۷	۳,۷۶		
	متأهل	۸,۹۸	۲,۶۹		
صمیمیت جسمانی	مجرد	۱۱,۱۸	۱,۳۷	-۱,۲۹۳	۰,۲
	متأهل	۱۱,۵۶	۱,۱۶		
	مجرد	۲۶,۰۹	۴,۰۶		
	متأهل	۲۶,۶۰	۴,۴۱		

به منظور بررسی سؤال پژوهشی دوم اطلاعات آماری در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشخص شده است، تفاوت معناداری بین اهداف از ازدواج بین دختران و زنان وجود داشت. بین اهداف با انگیزه عاطفی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و ایده‌آل‌گرایانه با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین دختران و زنان وجود داشت. اما تفاوت معناداری بین اهداف جنسی وجود نداشت.

جدول ۳. مقایسه دختران و زنان در هدف از ازدواج

نام متغیر	مقدار کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری
اهداف عاطفی	۱۷,۵۷	۶	۰,۰۱
اهداف جنسی	۸,۶۱۸	۶	۰,۲
اهداف مذهبی	۲۹,۷۶۱	۶	۰,۰۱
اهداف اجتماعی فرهنگی	۱۶,۱۹	۶	۰,۰۱
اهداف اقتصادی	۱۶,۹۰	۶	۰,۰۱
اهداف ایده‌آل گرایانه	۱۶,۸۰	۶	۰,۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه انتظار و اهداف از ازدواج زنان و دختران انجام شد. قبل از تبیین نتایج، شایان ذکر است که در مقالات بررسی شده، تا این تاریخ، پژوهشی در زمینه مقایسه بین انتظارات دختران و زنان در مجلات تخصصی داخلی یا خارجی منتشر نشده است. پژوهش‌های منتشر شده به انتظارات ازدواج در میان افراد عادی و افرادی که والدین آن‌ها طلاق گرفته‌اند [۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۰]، پرداخته‌اند، یا انتظارات ازدواج در بین نوجوانان و جوانان را مورد مطالعه قرار داده‌اند [۱۲، ۲۱، ۲۵، ۳۱]، و پژوهش‌هایی مانند مک ناتلی و کارنی؛ وست؛ و ریاس به بررسی انتظارات در سال‌های اولیه ازدواج پرداختند [۱۵، ۱۶، ۳۲].

نخستین یافته اصلی این پژوهش نشان داد که بین انتظار از ازدواج دختران و زنان تفاوت معنادار وجود داشت و زنان نسبت به دختران انتظارات بالاتری از ازدواج داشتند که این یافته همسو با نتایج مطالعه هریس و لی است، که در این پژوهش نتایج ارتباط بین انتظارات و رفتار را تأیید می‌کند و نشان می‌دهند که پاسخ‌دهندگانی که به‌تازگی یا قبلاً ازدواج کرده‌اند انتظارات بالاتری نسبت به کسانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، ابراز داشتند [۱۲]. عوامل زیادی بر انتظارات تأثیر دارند. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل فردی، خانواده‌مبداء، روند اجتماعی شدن، ساختار فرصت‌ها، بافت اجتماعی و فرهنگی متفاوت، نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به تشکیل خانواده، مذهبی‌بودن، قومیت‌گرایی، تجارب در مورد رابطه‌ها، و نقش جنسیتی اشاره کرد. تفاوت انتظارات در بین دو گروه دختران و زنان می‌تواند مرتبط با هریک از دلایل مذکور باشد. همچنین، شاید بتوان انتظارات بالاتر در زنان را به تجربه زندگی زناشویی نسبت داد. از سوی دیگر، در سطح فردی شاهد تحولاتی در دختران هستیم؛ تحولاتی که نتیجه گذار جامعه ایرانی از نظم اجتماعی سنتی به مدرن است. نتایج نشان داد که دختران به دلیل داشتن تحصیلات، استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی انتخاب و عمل، فاصله‌گیری از نظارت والدین و اطرافیان از نوگرایی بیشتری برخوردارند. از این رو، طبیعی است که این نوگرایی دختران انتظارات آنان از ازدواج را تغییر داده و تعریف متفاوتی از ازدواج به آنان به دست می‌دهد [۴]. همچنین، در

زیرمقیاس‌های اصلی یعنی قصد ازدواج، نگرش کلی به ازدواج و انتظار از ازدواج تفاوت مشاهده شده بین دختران و زنان معنادار بود؛ به طوری که دختران در خرده‌مقیاس قصد ازدواج نمره بالاتری را کسب کردند؛ یعنی قصد بیشتری برای ازدواج داشتند که همان‌گونه که انتظار می‌رفت طبیعی است دختران قصد ازدواجشان بالاتر باشد. در پژوهش‌های مختلف، مانند مانینگ، لانگ مور و جیوردانو؛ ویلویی، و کارول به این مسئله اشاره شده است که سن نقش مهمی در قصد ازدواج دارد و افراد در سنین جوانی قصد بیشتری برای ازدواج دارند [۳۳؛ ۳۴]. با توجه به اینکه بیش از نیمی از دختران شرکت‌کننده در این پژوهش در گروه سنی زیر ۳۰ سال بودند، نمره‌های بالاتر دختران در این خرده‌مقیاس قابل تبیین است. همچنین، با توجه به اینکه این مقیاس تأهل و مجرد تفاوتی ندارد، زندگی مشترک فعلی زنان متأهل قصد آن‌ها را برای ازدواج کاهش و عدم تجربه دختران قصد آن‌ها را برای ازدواج افزایش داده است.

در خرده‌مقیاس اصلی نگرش کلی به ازدواج، زنان نمره بالاتری را به دست آوردند. زنان در خرده‌مقیاس‌های فرعی نگرش مثبت به ازدواج، نگرش منفی به ازدواج نمره بالاتری را کسب کردند، اما در خرده‌مقیاس فرعی ترس/ تردید دختران نمره‌های بالاتری را به دست آوردند. در مطالعه نیلفروشان و همکاران با استفاده از مقیاس نگرش به ازدواج که نگرش بدبینانه، خوش‌بینانه، و ایده‌آل‌گرایانه را می‌سنجید، یافته‌ها نشان داد که دختران مجرد نسبت به پسران مجرد نگرش منفی‌تر و بدبینانه‌تری به ازدواج داشتند [۹]. اما نگرش افراد متأهل و مجرد مقایسه نشد. در مطالعه‌ای دیگر که شعاع کاظمی و جعفری هرنیدی انجام دادند به بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت‌درمانی گلاسر پرداخته شد [۶]، تفاوت معناداری بین نگرش دانشجویان مجرد و متأهل در ازدواج وجود نداشت که عدم همخوانی بین این مطالعه و مطالعه حاضر می‌تواند به دلیل ابزار استفاده شده باشد. ریگیو و وایزر در پژوهشی با عنوان نگرش‌های زناشویی، به نقش مهم نگرش‌های رابطه‌ای ویژه در کیفیت روابط صمیمی اشاره کردند. نگرش منفی‌تر نسبت به ازدواج به رضایت کمتر از صمیمیت، همراهی و روابط جنسی، احساس تعهد کمتر، تمایل کمتر به حفظ رابطه، تمایل بیشتر به روابط دیگر برای رفع نیازهای رابطه‌ای و تعارضات بیشتر در رابطه مرتبط است [۳۵]. در عوض نگرش مثبت به ازدواج به رضایت بیشتر، احساس تعهد بیشتر، تعارضات کمتر و انتظارات در مورد داشتن رابطه موفق مرتبط است. در کشور ما، این عوامل بیشتر در افراد متأهل، که تجربه زندگی زناشویی دارند، مؤثر است. بنابراین داشتن نگرش منفی‌تر و همچنین مثبت‌تر نسبت به ازدواج در افراد متأهل در این مطالعه قابل تبیین است. نمره بالاتر افراد مجرد در این مطالعه در خرده‌مقیاس فرعی ترس/ شک و تردید می‌تواند به عوامل اجتماعی مانند نرخ بالای طلاق، تجربه نوگرایی، افزایش فردگرایی و اعتقاد برخی دختران به این موضوع که ازدواج موجب از دست رفتن فرصت پیشرفت در کار و تحصیل می‌شود، مرتبط باشد [۴].

در خرده‌مقیاس اصلی انتظار از ازدواج، زنان نمره بالاتری را به‌دست آوردند. این نکته قابل ذکر است که با افزایش سن انتظار از ازدواج بالاتر می‌رود [۳۴]؛ از آنجا که تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان متأهل این مطالعه بالای ۳۰ سال بودند، این یافته قابل تبیین است. نتایج همچنین حاکی از این است که در خرده‌مقیاس‌های فرعی انتظار از ازدواج، از جمله احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی زنان نمره بالاتری را به‌دست آوردند. در تبیین این نتیجه می‌توان به تجربه زندگی زناشویی و ملموس‌بودن مسائل مرتبط با آن اشاره کرد. برای مثال، به‌دست آوردن نمره‌های پایین‌تر دختران در خرده‌مقیاس مسائل مالی را می‌توان با این موضوع مرتبط دانست که افراد مجرد وظایف و مسئولیت‌های مالی کمتری دارند و نسبت به زنان کمتر به مسائل مالی توجه دارند. در خرده‌مقیاس‌های فرعی عشق دختران نمره بالاتری را به‌دست آوردند. در تبیین این یافته، باید به نقش تغییرات اجتماعی وسیعی که در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج در کشور رخ داده است، اشاره کرد. تغییراتی که موجب شده تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به‌منزله یک رابطه جنسی و تولید فرزند، بلکه برای به وجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند [۷]. تفاوت بین دختران و زنان در همه مقیاس‌های اصلی و فرعی را می‌توان به نقش فرهنگ و تجارب متفاوت مرتبط دانست. همچنین، همان‌طور که مک دونالد اظهار می‌دارد انتظارات ما براساس آن دسته هنجارهای ارتباطی که عموماً به وسیله جامعه منعقد شده است، همچنین انتظارات فردی ما در نتیجه تجارب شخصی ایجاد می‌شود. با توجه به تفاوت‌های فردی در تجارب شخصی انتظارات برای افراد یکسان نخواهد بود [۱۵]. علاوه بر این، با توجه به این نکته که کشور ایران در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است، تغییرات اجتماعی وسیعی در امر ازدواج و همچنین نگرش افراد به‌ویژه زنان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده صورت گرفته است. با بالارفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی، و تحصیلات، مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، وابستگی کمتر و استقلال بیشتر زنان سطح انتظارات به‌مراتب بیشتر از گذشته شده است. از طرف دیگر، در عصر مدرنیته، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر و همانندی‌های گذشته کمرنگ شده است [۷].

دومین یافته اصلی این مطالعه نشان داد که بین اهداف دختران و زنان تفاوت معناداری وجود داشت. در بررسی اهداف از ازدواج در پژوهش‌های مختلف ذکر این نکته ضروری است که شباهت‌های بسیاری در اهداف ذکر شده وجود داشته است. تفاوت یافته‌های این پژوهش با تحقیقات دیگر در اکثر موارد در ترتیب اهداف، به‌ویژه در هدف اصلی یا اول، بوده است. برای مثال در مالزی، مطالعه منپ و همکاران^۱ نشان داد که شرکت‌کنندگان سه هدف اساسی ازدواج را انگیزه مذهبی، انگیزه‌های زیستی، و انگیزه‌های اجتماعی- روان‌شناختی عنوان کردند که انگیزه

مذهبی هدف اصلی ازدواج بود؛ در حالی که در مطالعه حاضر نخستین هدف، انگیزه‌های عاطفی روان‌شناختی مانند عشق بود [۲۳]. که این یافته با نتایج پژوهش کمپبل و رایت^۱ در امریکا، که ۸۱ درصد از افراد تازه ازدواج کرده هدف اصلی ازدواج خود را عشق می‌دانستند، همسو است [۲۶]. اما با مطالعه منصوریان، که مهم‌ترین اهداف ازدواج از دیدگاه افراد ۱۸ تا ۳۵ ساله ارضای میل جنسی، یا اهداف با انگیزه جنسی بود، مغایر است. از دیگر پژوهش‌هایی که نتایج آن همسو با یافته‌های این مطالعه است می‌توان به پژوهش امانی و بهزاد اشاره کرد که شرکت‌کنندگان نیاز به محبت، عشق، و صمیمیت را با اهمیت‌ترین انگیزه و دلیل ازدواج تعیین کردند [۱]. اما تحقیقات ذکر شده به مقایسه اهداف در افراد مجرد و متأهل پرداخته‌اند. ابتدا به تفاوت در اهداف ازدواج دختران و زنان پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه شد، آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اهداف عاطفی- روان‌شناختی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، و ایده‌آل‌گرایانه با آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان در اهداف عاطفی- روان‌شناختی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، و ایده‌آل‌گرایانه وجود داشت ($P < 0.01$). اما آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اهداف جنسی با آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان در اهداف جنسی وجود نداشت.

در تبیین تفاوت بین اهداف از ازدواج دختران و زنان می‌توان به نقش سن، تحصیلات، نگرش سنتی یا مدرن‌تر به ازدواج، مذهبی بودن، عقاید فردی افراد، خانواده مبدأ، تفاوت‌های فرهنگی، تجربه زندگی مشترک، رسانه‌های گروهی از قبیل اینترنت و ماهواره، تغییرات اجتماعی و اقتصادی و مشارکت بیشتر زنان و دختران در نیروی کار اشاره کرد. برای مثال، علاوه بر نقش تحصیلات، مشارکت زنان به‌عنوان نیروی کار آن‌ها را کمتر به ازدواج به دلیل بقای اقتصادی وابسته کرده و آن‌ها را قادر ساخته تا به دلایل شخصی مانند عشق و رضایت ازدواج کنند تا ضرورت یا الزام [۳۶]. از این‌رو، تفاوت معنادار در اهداف عاطفی- روان‌شناختی در میان دختران و زنان، یا به عبارت دقیق‌تر بالاتر بودن درصد دختران در انتخاب اهداف با انگیزه‌های عاطفی- روان‌شناختی قابل تبیین است. در مطالعات گوناگون زنان به اهداف انگیزه‌های بسیاری برای ازدواج اشاره کرده‌اند. عمومی‌ترین مورد ذکر شده عشق، دوستی عمیق و قوی با همسرانشان، شادکامی و تعهد مادام‌العمر است که تغییر را نسبت به گذشته نشان می‌دهد؛ زمانی که افراد، به‌ویژه زنان، به دلایل اجتماعی، اقتصادی، یا سیاسی تمایل به ازدواج داشتند [۲۴]. توجه و انتخاب بیشتر اهداف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی از سوی زنان متأهل و از سوی دیگر، توجه کمتر دختران به این اهداف را می‌توان به موارد یادشده نسبت داد. همچنین ملموس بودن مسائل اقتصادی در زنان به علت تجربه زندگی زناشویی در این تفاوت مؤثر بوده است. پوتنام اظهار می‌دارد که تعریف متفاوت‌تر از ازدواج در میان افراد جوان توجه

1. Campbell, K & Wright, D. W

بیشتر به مضامین عشق، دوستی، و تعهد مادام‌العمر در تصورات و مفاهیم زناشویی عمده و مهم است و احتمالاً تحت تأثیر تعاریف فرهنگی از ازدواج قرار می‌گیرد. بدین معنی که، ازدواج به وسیله رسانه‌ها به صورت رؤیایی و آرمانی یا ایده‌آل‌گرایانه درآمده است و انتظار می‌رود همسر شخص یک دوست، عاشق، و شریکی همیشگی باشد [۲۴]. رایت، سیمنز، و کمپبل دریافتند که افراد جوان‌تر انتظارات و هدف از ازدواج ایده‌آل‌گرایانه‌تری نسبت به افراد دیگر دارند. بنابراین تفاوت معنادار در اهداف ایده‌آل‌گرایانه در بین دختران و زنان قابل تبیین است [۳۷].

ترتیب اولویت اهداف از ازدواج دختران و زنان نیز بررسی شد. آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اولویت اول در هدف از ازدواج با آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دختران و زنان از نظر اولویت اول در هدف از ازدواج وجود نداشت. در هر دو گروه، شرکت‌کنندگان بیشتری اولویت اول خود را اهداف با انگیزه‌های عاطفی-روان‌شناختی قرار دادند. عدم تفاوت در اولویت اول بین دو گروه را می‌توان به تغییرات فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن تغییرات در هدف‌شناسی ازدواج نسبت داد که در گروه‌های متفاوت روی داده است؛ به‌طوری‌که افراد صرف نظر از وضعیت تأهل به اهداف با انگیزه‌های عاطفی-روان‌شناختی به‌ویژه عشق اهمیت بیشتری قائل‌اند. آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اولویت دوم در هدف از ازدواج با آزمون کای دو حاکی از این است که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر اولویت دوم در هدف از ازدواج وجود داشت ($P < 0.045$). در دختران، بیشتر شرکت‌کنندگان اهداف با انگیزه‌های جنسی را در اولویت دوم خود قرار دادند، در حالی که در زنان اهداف با انگیزه‌های جنسی در اولویت دوم قرار داشت. تفاوت معنادار بین اولویت دوم را می‌توان به سن پایین‌تر، تحصیلات بالاتر و نگرش مدرن‌تر و متفاوت‌تر دختران به مقوله ازدواج نسبت داد. می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد از آنجا که در کشور ما قابل قبول‌ترین راه ارضای نیاز جنسی و تنها راه مشروع رابطه جنسی، ازدواج است، دختران هدف دوم خود از ازدواج را اهداف جنسی تعیین کردند. آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اولویت سوم در هدف از ازدواج با آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر اولویت سوم در هدف از ازدواج وجود داشت ($P < 0.01$). در دختران، بیشتر شرکت‌کنندگان اهداف با انگیزه‌های اجتماعی را در اولویت سوم خود قرار دادند، در حالی که در زنان اهداف با انگیزه جنسی در اولویت سوم قرار داشت. در ایران از نظر اجتماعی و فرهنگی تأهل از نظر اجتماعی مقبولیت بیشتری دارد و با ارزش شمرده می‌شود، بنابراین کسب پذیرش و حمایت اجتماعی بیشتر با ازدواج ممکن می‌شود. بنابراین بیشتر دختران به اهداف با انگیزه‌های اجتماعی توجه بیشتری نشان داده‌اند. آزمون تفاوت دختران و زنان بر حسب اولویت چهارم در هدف از ازدواج با آزمون کای دو بیانگر این است که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر اولویت چهارم در هدف از ازدواج وجود داشت ($P < 0.01$). در دختران، بیشتر شرکت‌کنندگان اهداف با انگیزه‌های مذهبی را در اولویت چهارم خود قرار دادند، در حالی که در زنان اهداف با

انگیزه‌های اجتماعی در اولویت چهارم قرار داشت. آزمون تفاوت دختران و زنان برحسب اولویت پنجم در هدف از ازدواج با آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دختران و زنان از نظر اولویت پنجم در هدف از ازدواج وجود داشت ($P < 0.019$). در دختران، بیشتر شرکت‌کنندگان اهداف ایده‌آل‌گرایانه را در اولویت پنجم خود قرار دادند، در حالی که در زنان، اهداف با انگیزه‌های اقتصادی در اولویت پنجم قرار داشت. در تفاوت در اولویت پنجم می‌توان به نقش سن، نگرش متفاوت، و ایده‌آل‌گرایانه و همچنین تجربه زندگی زناشویی اشاره کرد.

در جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که همسو با سایر تغییرات اجتماعی و فرهنگی در کشور، انتظارات و اهداف ازدواج در حال تحول است. در گذشته بیشتر افراد انتظارات کمتری از ازدواج داشتند و به دلایل اقتصادی، مذهبی، یا اجتماعی ازدواج می‌کردند یا بسیاری از ازدواج‌ها تحمیلی و اجباری صورت می‌گرفت. اما امروزه بیشتر افراد دیدگاه جدیدی به ازدواج دارند و ازدواج با انتخاب خود افراد و آزادانه صورت می‌پذیرد. بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر این تفاوت مانند پژوهش‌هایی درباره تأثیر خانواده، رسانه‌های گروهی، تغییرات ساختاری، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به تبیین دقیق‌تر کمک کند.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های این مطالعه این بود که فقط به مقایسه انتظار و اهداف از ازدواج زنان و دختران پرداخت و این مقوله را بین آقایان بررسی نکرد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، انجام دادن مطالعات دقیق‌تر و گسترده‌تر به ویژه مطالعات طولی در این مورد با حجم نمونه بیشتر در شهرهای مختلف و مقایسه نتایج باهم پیشنهاد می‌شود.

پیشنهاد‌های کاربردی

براساس یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت از آن‌جا که مهم‌ترین عامل موفقیت در هر اقدام، از جمله ازدواج، هدف‌شناسی است و عدم شناخت هدف یکی از عوامل آسیب‌رسان به ازدواج در نظر گرفته می‌شود. ازدواجی که هدفمند و همراه با انتظارات واقع‌بینانه انجام شود، همراه با موفقیت بیشتر خواهد بود و رضایت و شادکامی زناشویی حاصل خواهد شد.

منابع

- [۱] امانی، احمد؛ بهزاد، داوود (۱۳۹۱). «بررسی انگیزه ازدواج در بین دختران و پسران نامزد»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، س ۲، ش ۳، ص ۳۵۸-۳۷۲.
- [۲] امیدوار، بنفشه؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ احمدی، سید احمد (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر آموزش

- پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی و دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز»، *خانواده پژوهی*، س ۵، ش ۱۸، ۲۳۱-۲۴۶.
- [۳] بلقان آبادی، مصطفی؛ گراوند، عالییه؛ احمدی، احمد (۱۳۹۱). «تأثیر آموزش شناختی- رفتاری گروهی بر انتظارات زناشویی زنان و مردان متأهل شهرستان کوهدشت»، *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، سال سوم، شماره ۴، ۶۶۰-۶۴۱.
- [۴] حبیب پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج»، *زن در سیاست و پژوهش زنان*، دوره ۹، ش ۱، ص ۷-۳۴.
- [۵] خمسه، اکرم (۱۳۸۷). *آموزش قبل از ازدواج؛ راهنمای زوج‌های جوان*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، چ ۳.
- [۶] شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ جعفری هرندی، مرضیه (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت‌درمانی گلاسر»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، س ۲، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- [۷] کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۱۳، ش ۲، ص ۷۵-۹۵.
- [۸] کامکار، منوچهر؛ صالحی، مینا؛ کج باف، محمدباقر؛ سلاسل، ماهان (۱۳۸۹). «تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی ناکارآمد دانشجویان دختر در آستانه ازدواج»، *فصلنامه فرهنگ مشاوره*، س اول، ش ۴، ص ۵۷-۷۲.
- [۹] نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، احمد؛ نویدیان، علی؛ احمدی، سید احمد (۱۳۹۰). «بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۵، ش اول، ص ۱۱-۱۹.
- [10] Omage, M.I. (2013). "Critical issues in marriage failure in Benin City, Nigeria: Signaling the way forward". *European Scientific Journal*, 9(5). pp 324-337.
- [11] Wardle, L. D. (2011). "The boundaries of belonging: Allegiance, purpose and the definition of marriage". *Journal of Public Law*, pp 287-315.
- [12] Harris, K. M., & Lee, H. (2007). "The development of marriage expectations, attitudes, desire from adolescence into young adulthood". Unpublished master thesis, University of North Carolina [On-Line]. Available: <http://paa2006.princeton.edu/download.aspx?submissionId=61880>.
- [13] Barich, R. R., & Bielby, D. D. (1996). "Rethinking marriage: Change and stability in expectations, 1967-1994". *Journal of Family Issues*, 17(2), pp 139-170.
- [14] Burgoon, J.K. (1993). "Interpersonal expectations, expectancy violations, and emotional communication". *Journal of Language and Social Psychology*, 12 (1-2), pp 30-48.
- [15] West, E. A. (2006). "Relational Standards: Rules and Expectations in Romantic Relationships". A Ph.D. thesis. Australian Catholic University National.
- [16] Rios, C. M. (2010). "The relationship between premarital advice, expectation and marital satisfaction". All graduate theses and dissertations. Utah University.
- [17] Fehr, B. (1999). "'Laypersons' perceptions of commitment". *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 90-103. Doi:10.1037/0022-3514.76.1.90.
- [18] Stephanou, G., & Kyridis, A. (2011). "University students' partner ideals and attributions in romantic relationships". In *Paper presented at the 6th international SELF conference: The centrality of SELF theory and research for enabling human potential*. Quebec.
- [19] Dillion, H. N. (2005). "Family violence and divorce: Effects on marriage expectation". Electronic Theses and Dissertations, Tennessee State University.

- [20] Steinberg, S. J., Davila, J. & Fincham, F. D. (2006). "Adolescent Marital Expectations and Romantic Experiences: Associations with Perceptions about Parental Conflict and Adolescent Attachment Security". *Journal of Youth and Adolescence*. Vol. 35, No. 3, pp 333–348.
- [21] Stephanou, G. (2012). "Romantic relationships in emerging adulthood: Perception-Partner ideal discrepancies, attributions, and expectations". Scientific Research (<http://www.SciRP.org/journal/psych>). DOI: 10.4236/psych.
- [22] Park, S.S. & Rosén, L.A. (2013). "The Marital Scales: Measurement of intent, attitudes, and aspects regarding marital relationships". *Journal of Divorce and Remarriage*, 54(4), pp 295-312. doi: 10.1080/10502556.2013.780491.
- [23] Manap, J; Idris, F; Che Kasim, A; Hoseni, S; Nen, S & Ghazali, F. (2013). "The Purpose of Marriage among Single Malaysian Youth". *Social and Behavioral Sciences*, 82, pp 112-116.
- [24] Campbell, K., Wright, D. W. & Flores, C. G. (2012). "Newlywed Women's Marital Expectations: Lifelong Monogamy?" *Journal of Divorce & Remarriage*, 53:2, pp 108-125.
- [25] Celik, I; Halmatov, S; Halmatov, M & Saricam, H. (2012). "Research on views about male university students' marriage and future family role expectation". *Social and behavioral science*, pp 3275-3278.
- [26] Campbell, K. & Wright, D. W. (In press). "Marriage Today: Exploring the Incongruence between Americans' Beliefs and Practices". *Journal of Comparative Family Studies*.
- [27] Fallahchai, S. R, Fallahi, M. & Park, S.S. (In press). "Factorial Validity and Psychometric Properties of the Marital Scales –The Persian Version". *Journal of Divorce and Remarriage*.
- [28] Gabardi, L., & Rosén, L. A. (1991). "Differences between college students from divorced and intact families". *Journal of Divorce & Remarriage*, 15, pp 175-191.
- [29] Lewis, B. H. (2006). "An examination in marital expectations of young adults from intact and divorced families". An M.S thesis. Auburn University.
- [30] Jones, G.D. & Nelson, E.S. (1996). "Expectations for marriage among college students from intact and non-intact homes". *Journal of Divorce Remarriage*. 26(1): pp 171-89.
- [31] Kline, L. S., Zhang, B., Manohar, U., Ryu, S., Suzuki, T. & Mustafa, H. (2012). "The role of communication and cultural concepts in expectations about marriage: Comparisons between young adults from six countries". *International Journal of Intercultural Relations*: 36, ppp 319–330.
- [32] McNulty, J. K., & Karney, B. R. (2004). "Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst?" *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, pp 729–743.
- [33] Manning, W., Longmore, M., & Giordano, P. (2007). "The changing institution of marriage: Adolescents' expectations to cohabit and to marry". *Journal of Marriage and Family*, 69(3), pp 559-575.
- [34] Willoughby, B., & Carroll, J. (2010). "Sexual experience and couple formation attitudes among emerging adults". *Journal of Adult Development*, 17(1), pp 1-11.
- [35] Riggio, H., & Weiser, D. (2008). "Attitudes toward marriage: Embeddedness and outcomes in personal relationships". *Personal Relationships*, 15(1), pp 123-140.
- [36] Rogers, S. J. (2004). "Dollars, dependency, and divorce: Four perspectives on the role of wives' income". *Journal of Marriage and the Family*, 66, pp 59–74.
- [37] Wright, D. W, Simmons, L. A., & Campbell, K. (2007). "Does a Marriage Ideal Exist? Using Q-Sort Methodology to Compare Young Adults' and Professional Educators' Views on Healthy Marriages". *Contemp FAM Ther* 29: pp 223–236.